

# سرقت قابلمه دست دوم گرفتارم کرد



سوزدهايش را در سايت‌های همسريابی يا سايت‌های اينترنتی فروش کالا پيدا می‌کند. راز سرقت‌های سريالی او با شکايت زن جوانی که سرويس قابلمه‌اش به سرقت رفته بود، فاش شد. پليس تحقیقات خود را آغاز کرد و به متهم جوان رسيد و دستگيرش کرد. اين هفته رودرروی اين سارق نشستيم.

## از شگرد سرقت هایت بگو؟

برای اجرای نقشه‌ام دو شگرد داشتم. شگرد اولم آشنایی در سايت‌های همسريابی بود. با سوزدها که آشنا می‌شدم به بهانه ازدواج، اعتمادشان را جلب می‌کردم و به بهانه خواستگاری وارد خانه‌هایشان می‌شدم و در فرصتی مناسب سرقت می‌کردم.

## شگرد دوم چی بود؟

در سايت‌های اينترنتی فروش کالا به دنبال اجناسی می‌گشتم که قابل فروش باشند اما قيمت خیلی بالایی نداشته باشند. بعد با فروشنده‌گان تماس گرفته و در خانه‌هایشان با آنها قرار می‌گذاشتم. پس از ورود به خانه با تهديد چاقو، وسايل را سرقت می‌کردم.

## به اين فکر نمی‌کردی که بازداشت شوی؟

بازداشت شدنم را خیلی بعيد می‌دانستم.

## چرا؟

برای اين که من اجناسی با قيمت پايين را انتخاب می‌کردم. قيمت کالا که پايين باشد فروشنده حوصله شکايت ندارد و وقتی شاکی نداشته باشی کسی هم دستگيرت نمی‌کند. افرادی هم که در سايت همسريابی از آنها سرقت کرده بودم با اين تصور که شايد مشکلی برايشان پيش بيايد شکايت نمی‌کردند.

## با وسايل سرقتی چه می‌کردی؟

در بازار با قيمتی پايين‌تر می‌فروختم و پولش را خرج تفريح و کارهای مختلف می‌کردم.

## چطور دستگير شدی؟

از زن خانه‌داری سرقت کردم که از شانس بد من، شکايت

کرد. پليس هم تحقیقاتش را آغاز کرد و در ادامه تحقیقات با شکايت‌های مشابه مواجه می‌شود و در نهايت دستگير شدم.

## چه چیزی از او سرقت کرده بودی؟

سرويس قابلمه دست دوم.

## سابقه داری؟

نه، اولين باری بود که دست به سرقت می‌زدم.

## چطور شد اين ايد به ذهنت رسيد؟

بی‌پولی که سراغم آمد به فکر چاره‌ای افتادم. از طرفی در فيلم‌های مختلف ديده بودم که از طريق سايت‌های مجانی اينترنتی کلاهبرداری و سرقت می‌کنند و من هم به اين فکر افتادم.

## متاهلی؟

حقيقتش عاشق شکست خورده هستم. دختری را دوست داشتم و به خاطر او جلوی خانواده‌ام ایستادم. مادرم می‌گفت دختر دایی‌ام و پدرم می‌گفت دختر عمويم را بگیرم اما من ایستادم و گفتم فقط بيتا، دختر مورد علاقه‌ام را می‌گويم. خودم را به آب و آتش زدم تا آنها موافقت کردند

اما موقع خواستگاری، فهميدم که بيتا به من دروغ گفته و نامزد دارد. خیانتی که او به من کرد باعث شد که تصميم به انتقام از دختران و زنان جوان بگیرم.

## انتقام؟ چه انتقامی؟

کينه بيتا باعث شد تا به سايت‌های همسريابی بروم و با دختران دم‌بخت طرح آشنایی بریزم. اوایل دم از عاشقی می‌زدم و وقتی آنها باور می‌کردند که آنها را دوست دارم و قصد ازدواج است با من صميمی می‌شدند و از کوچک‌ترین موارد زندگی‌شان می‌گفتند. من هم زمانی که کسی در خانه‌شان نبود، به بهانه اين که دلم تنگ شده و می‌خواهم ببينم، خودم را به مقابل خانه‌شان می‌رساندم و به بهانه‌های مختلف وارد خانه‌شان می‌شدم و از خانه‌هایشان سرقت می‌کردم. بیچاره دختران عاشق پيشه‌چطور می‌توانستند به خانواده‌هایشان بگويد که معشوقه‌شان سارق از آب درآمده است. به همین دليل شکايت نمی‌کردند و من هم سيم‌کارتی که با آنها در تماس بودم را دور می‌انداختم و سيم‌کارت جديد برای سوزده جديد تهيه می‌کردم.

## فوق العاده

در اين ستون، حوادث گذشته را دوباره بازخوانی می‌کنيم. حوادثی بسيار قديمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به ياد دارند و بازخوانی آن با همان ادبيات و نثر و نگارش قديمی، برای ما و نسل قديم بسيار جذاب و يادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در اين شماره، جالب‌ترين حادثه آبان ۱۳۴۹ روزنامه اطلاعات را بررسی می‌کنيم.

## مردی که مغازه گدایی داشت

رضا معروف به رضا پیری، گدای ژنده پوش هفتاد ساله ای است که از سال‌ها پيش به طريقه‌ای کاملاً نوظهور و صد درصد ابتکاری به شغل پردرآمد گدایی پرداخته است. رضا پیری بر خلاف تمام گداهای دنيا، نه سر راه می‌نشست، نه جلوی کسی را می‌گرفت. بلکه در انتهای بازار کهنه شهر... دکان مخروبه و متروکی را انتخاب کرده بود و صبح به صبح می‌آمد آنجا می‌نشست و آخر شب به خانه اش می‌رفت. مردم زمانی که اين مرد را می‌ديدند از ديدن او دچار رقت می‌شدند و هر روز به انتهای بازار کهنه می‌رفتند، کمکی به رضا پیری می‌کردند و برمی‌گشتند. برای همین است که می‌گويم اين گدای مبتکر، برای اولین بار مغازه گدایی باز کرده بود. اما همین مغازه، راز او را فاش کرد. روز گذشته در اثر واژگون شدن چراغ نفتی، مغازه گدایی آقارضا دچار حريق شد و وقتی ماموران به خاموش کردن آتش پرداختند ضمن کار خود متوجه شدند که در کف مغازه گودالی حفر شده و وقتی خاک‌ها را از روی آن کنار زدند - خدا نصيب کند - ديدند هزارها تومان پول به صورت اسکناس‌های یک تومانی تا ۵۰ تومانی و سکه‌های یک تا ۱۰ ریالی در اين گنج زیر زمینی مخفی شده است. در حال حاضر آن پول‌ها به عنوان پول‌های مکشوفه در شهرداری هوای آزاد می‌خورند و رضا پیری، دست روی دست گذاشته و فقط آه می‌کشد و هيچ کاری از او بر نمی‌آيد که انجام دهد.

## فیشینگ به كيف پول دیجیتالی رسيد

## هشدار هفته

رئيس پليس فتای استان خراسان رضوی با هشدار به کاربران فضای مجازی از روش جديد فیشینگ كيف پول ارز رمز خبر داد. به گزارش تپش، سرهنگ جهانشیری در اين باره گفت: با شکايت چند نفر از شهروندان مبنی بر سرقت كيف پول ارز رمز آنها در پی پيشنهادهی اغواکننده تحقیقات پليس فتا آغاز شد. در اظهارات اولیه شکات به کارشناسان پليس فتا مشخص شد اين افراد با پيشنهادهی سرمايه‌گذاری جذابی در شبکه‌های اجتماعی به‌ويژه تلگرام روبه‌رو شده و از دارندگان كيف پول ارز رمز خواسته شده بود با ورود به سايتی سرمايه خود را ثبت و به‌صورت دوره‌ای سود دریافت کنند. مجرمان با اين پيشنهادهی به آنها تضمين می‌دهند مضاف بر اين که سرمايه‌شان به صورت امن نگهداری و در پايان